

دوره نهم تقنيہ

جلسه ۱۰۹

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

پنجشنبه ۸ آذرماه ۱۳۱۳ - ۲۱ شعبان ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۶۵۳

قیمت اشتراك { مطالباتہ } داخلہ : ۲۰۰ روپے  
خارجہ : ۱۰۰ روپے تک شعائرہ : دو روپال

مطبوعہ مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۸ آذر ماه ۱۳۱۳ قمری / ۲۹ شهریور ۱۳۵۳

## فهرست مذاکرات

- |                                                       |                                               |
|-------------------------------------------------------|-----------------------------------------------|
| ۱) تصویب صورت مجلس                                    | ۱) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه |
| ۲) شور و تصویب لایحه استخدام دوترا از طرف وزارت معارف | ۲) شور اول لایحه معارف و انفلاس               |
| ۳) شور اول لایحه راجع به معاینه دبیرستانهای فلاحت     | ۳) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه           |

( مجلس يك ساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس روز پنجشنبه اول آذر ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند

### ۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ( خیر )  
صورت مجلس تصویب شد

۲- شور و تصویب لایحه استخدام متخصص شریح  
رئیس - خیر کمیسیون بودجه راجع به استخدام طبیب  
برای تشریح قرائت میشود

### خبر کمیسیون

کمیسیون بودجه با حضور آقای کفیل وزیر معارف  
لایحه دولت به نمره ۱۴۱۵۶ راجع به استخدام دوترا

متخصص برای دانشکده طب و دانش سرای عالی راه طرح  
و تحت شور و مذاکره قرار داده پس از توضیحاتی که  
آقای کفیل وزارت معارف در لزوم استخدام معلمین مزبور  
بدین نمودند کمیسیون با استخدام آنها موافقت و علیهذا  
دایره آنرا برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم  
میشاید:

### ماده واحده

الف - وزارت معارف و اوقاف مجاز است آقای  
دکتر هژتبه دولت آلمان را پس از تاریخ ورود به تهران

فهرست مذاکرات مشروح با کفایت و نهی چسبیده از دوره نهم نقابیه ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۱۳ )

تدوین: آید نوبلی و تعبیر صورت مجلس

فهرست اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

- غائبین می اجازه - آقایان: مرآت استادی - غازی - سزوار - انظام زنگه - آهالی - خونی - دکتر انجم - اعتبار  
یونس آقا و عاب زاده - نصری - لوری - مدلل - پور سرتیپ - بیات ماکو  
دیر آمدگان می اجازه - آقایان: احمدی - لطفوانی - بیات - انجمی - عراقی - استادی - طهرانی - کبکی - حاجی تقی آقا و عاب زاده  
نیک پور - بخاری - شریعت زاده - فراگوزلو - بنکدار - محمودی خراسانی - دکتر صوبی



بهدت سه سال برای تدریس علوم تربیتی ولدی الاقضاء اشتغال پانور قبی و اداری در دانش سرای عالی و دانشکده ادبیات و آقای دکتر ادوارد بار تبعه ممالک متحده امریکای شمالی مقیم طهران را از تاریخ دهم آبان ۱۳۱۳ به مدت دو سال و ده ماه برای تدریس تشریح عملی استخدام نماید.

ب- حقوق سالانه آقای دکتر هازتا پنجاه و چهار هزار ریال به علاوه پانصد و چهل بهای و حقوق سالانه آقای دکتر ادوارد بار سی هزار ریال خواهد بود که با قساط ماهیانه به مشارالیهما تأدیه خواهد گردید.

ج- برای مسافرت آقای دکتر هاز از پاریس به طهران مبلغ شصت بهای خرج سفر داده میشود و در موقع انقضاء این قرارداد در صورت عدم تجدید آن مبلغ مبلغ مذکور برای مراجعت ایشان پاریس داده خواهد شد. د- وزارت معارف و آقای دکتر هاز و آقای دکتر ادوارد بار در آخر سال تحصیلی یا اختتام قلمبه ماه میتواند کتراترا لئو نمایند و در صورتیکه وزارت معارف این عمل را بنماید نسبت با آقای دکتر هاز خرج معاودت مندرج در فقره ج پرداخت خواهد شد.

ه- آقای دکتر هاز و آقای دکتر ادوارد پارسالی یکماه در موقع تعطیل تابستان حق مرخصی با استفاده از حقوق خواهند داشت لیکن ترتیب اعمای آن با وزارت معارف بوده و میتواند پس از چندسال بگمرینه از جمع مرخصیهای قانونی خود فقط در موقع تعطیل تابستان استفاده نمایند.

و- وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام آقای دکتر هاز و آقای دکتر ادوارد بار را بر طبق قانون استخدام اتباع خارجه مصوبه ۲۳ عفر ۱۳۰۱ تعیین و قرارداد را امضاء نماید.

ز- حقوق سالانه آقای دکتر هازی اشتراك بابت مدیری و هنر آووزی هنرستان دولتی و هشت ساعت تدریس دروس شیمی دانشکده طب و دوا سازی سالانه مبلغ سی هزار ریال به علاوه چهارصد بهای خواهد بود که با قساط ماهیانه از اول فروردین ۱۳۱۳ به مشار الیه پرداخته میشود.

از برای خدمت مهم طبی بممالک خوشبختانه یکی از مسائلی که دولت متوجه شده است مسئله مدرسه طب است و البته مدرسه طب خیلی تأثیر دارد البته در ممالک ما مقتضی بوده است که خیلی زودتر این توجه شده باشد ولی حالا خوشبختانه توجه شده است یکی از نواقص مهمی که در مدرسه طب ما موجود بود. مسئله تشریح عملی بود که محصلین يك مسائلی را در کتب میخواندند و می دیدند بدون اینکه عملاً دیده باشند و در مقامی باشند که پس از اینکه از مدرسه فارغ میشوند بتوانند آمده باشند از برای خدمات و عملیات البته مسئله طب يك امری نیست که تنها کتاب کافی باشد بلکه مسائل عملی بیشتر تأثیر دارد و خوشبختانه این توجه شده است و حالا هم خوشبختانه لایحه جهت استخدام معلم مخصوص برای مسئله تشریح به مجلس آورده اند بنده خیلی خوشوقتم که اصولاً راجع این موضوع توجه شده است ولی راجع باین شخص بخصوص بنده يك تذکری داشتم که چون غیر از عنوان «مخالف نمسی توانستم عرض کنم از این جهت به عنوان مخالفت قبول کردم که بیایم در اینجا و نظر آقای کفیل وزارت معارف را جلب کنم محصلین مدرسه طب ما ایرانی هستند و زبانشان فارسی است و نوعاً از نظر اینکه معلومات پایه در ممالک ما بزبان فرانسه تدریس میشده است این محصلین زبان فارسی و فرانسه میدانند اگر معلمی که برای مدرسه طب می آورند زبان فرانسه ندانند یا زبان فارسی ندانند بعقیده بنده آن استفاده که باید بکنند نمیتوانند بکنند این شخص چند سال است دکتر ادوارد بار در طهران است و شاید بگفتری هم چینه چینه بعضی کلمات فارسی را بلد باشد ولی البته این اندازه کافی نخواهد بود که ایشان بتوانند در مدرسه طب ما تدریس کنند فرانسه هم میدانند زبان انگلیسی است چون تبعه دولت امریکا است محصلین هم که زبان انگلیسی میدانند بنابراین بنده میخواستم این مطلب را تذکر بدم حالا که متوجه شده اند که مسئله تشریح عملی برای مدرسه طب نهایت درجه ضرورت را دارد چرا يك کسی را استخدام نمی کنند که این تقیصه بهمین

نیاید یعنی زبان فارسی با فرانسه را بدانند که محصلین از وجودش استفاده بکنند شاید در ممالک ما با در طهران بخصوص باشند يك اختصاصی که از نظر جراحی يك اشخاص خیلی عالی مقامی باشند مثلاً دکتر هاشم خان هنجن بعقیده بنده یکی از جراحانی است که در ممالک آلمان او را در درجه اول جراحان حساب میکردند و اعمال سخت جراحی را در يك مدت قلیلی سر میا میتوانستند است انجام میدادند خوب ممکن بود که ایشان را که در طهران هستند استخدام کنند البته شاید يك نواقصی در کار ایشان بوده است یا خودشان حاضر نبوده اند ولی این مسئله قابل اهمیت است حالا که معلم برای تشریح عملی استخدام میکنند چرا بگفتری را استخدام میکنند که قابل استفاده باشد چون عرض کردم که زبان فارسی که نمیدانند فرانسه هم نمیدانند و محصلین آن استفاده که باید بکنند نمیتوانند بکنند

**کفیل وزارت معارف (آقای حکمت)** - بعد از تذکر از اظهار لطفی که نسبت به بنده فرمودند راجع بدان دانشکده طب میخواستم عرض کنم که حقیقتاً دانشکده طب ما مدرسه خیلی خوبی است و از حیث دروس نظری و ایستنی تئوری هیچ نقص ندارد و با داشتن معلمین قابل دانشمند دروس تئوری مدرسه طب ما خیلی خوبست به همین واسطه هم در امتحاناتی که محصلین فارغ التحصیل مدرسه طب طهران در دانشکده طب پاریس داشته اند و دارنده موفقیت پیدا کرده اند و خیلی خوب از عهده برآمده اند و همچنین فارغ التحصیلهای مدرسه طب طهران در خدماتی که از طرف دولت بآنها رجوع شده است خیلی خوب از عهده برآمده اند بطوریکه نماینده محترم تذکر دادند تنها تقصیری که در مدرسه طب بود مسئله عمل بود زیرا که علم بلا عمل مثل درخت بلا ثمر است و بهمین نظر بوده است که برای تشریح عملی توجه مخصوص شده است و هم سالن مخصوص و طالار مخصوص ساخته شده است و هم معلم مخصوص برای این کار در نظر گرفته شده است و همانطور که تشریح عملی گفته میشود بیشتر معلم این







ورقه سفید خواهند داد.

( اخذ واستخراج آراء بعمل آمده ۸۷ ورقه سفید تعداد شد )

رئیس - عدد حاضر در موقع اعلام رأی ۹۲ نفر به اکثریت ۸۷ رأی تصویب شد.

**۴ - شور اول لایحه راجع بمحصلین دبیرستانهای فلاحی**

رئیس - خبر کسب پیون معارف راجع به محصلین دبیرستان های فلاحی

کسب پیون معارف در جلسه سوم آذرماه ۱۳۱۳ لایحه نمره ۳۹۰۳۳ - ۱۷۶۱۷ دولت راجع بمحصلین

دبیرستانهای فلاحی را با حضور آقای کفیل وزارت معارف مطرح نموده و عین ماده پیشنهادی دولت را

تصویب نموده اینک خبر آن را برای شور اول تقدیم مینماید

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت قرائت میشود.

ماده واحده - محصلین دبیرستانهای فلاحی که دار

طلب آموزگاری بوده و تحصیلات خود را در آن دبیرستان

بر طبق پروگرام مصوب شورای عالی معارف در رشته

مربور تعقیب نمایند پس از فراغ از تحصیل در زمره

فراغ التحصیل های دانش سراهای مقدماتی محسوب و مشمول مقررات مربوطه قانون تربیت معلم مصوب ۱۹ اسفند

ماه ۱۳۱۲ خواهند بود.

رئیس - شور اول است اشکالی ندارد (خیر) آقایان

که موافقت با ورود در شور دوم قیام فرمایند (اغلب

یر خاستند) تصویب شد آقای وزیر عدلیه

**۵ - تقدیم دو لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه**  
وزیر عدلیه - دو لایحه است تقدیم میکنم یکی از

آنها راجع به اختیاراتی است که برای کسب پیون عدلیه

نفاذ شده است خاطر آقایان مسبوق است که برای

احتیاط است که شاید بعضی از قوانین برای آزمایش

اقتضا میکنند که بکسب پیون برود والا قوانینی که تهیه

شده بنای بنده بر این است که اغلب را به مجلس خواهم

آورد و این برای احتیاط پیش بینی شده است این است

که تقدیم میکنم

**۶ - شور اول لایحه اعسار و افلاس**

رئیس - آقای وزیر عدلیه در دستور لایحه اعسار و

افلاس را داریم و لایحه اختیارات هم البته فوری است

( وزیر عدلیه - بل ) کدام يك را میل دارید مطرح کنیم

وزیر عدلیه - البته اگر لایحه اعسار و افلاس وقت

باشد مطرح شود بهتر است

رئیس - یک ساعت بظهر است لایحه اعسار و افلاس

مطرح است که ان نمیکند ضرور باشد تمام مواد را بخوانیم

طبع و توزیع شده است ( صحیح است ) مذاکره در کلیات

است. آقای جشدی

**جمشیدی -** قانون عرضحال اعسار و افلاس که در

سابق بهتر بود بدو دلیل: یکی اینکه مردم در واقع

سوره نحاشی دارند از اینکه عنوان مفلس با آنها گذاشته

شود این را قدری نحاشی دارند و در ذهن هم زنده است

باین جهت اغلب حاضر نمیشوند این عنوان افلاس را

بخودشان به بندند و حاضر میشوند در موردی که محکوم

شدند بیک ترقیبی با محکوم آه خودشان اصلاح کنند و با

ترتیب الفاظ و اینها قضیه را خاتمه بدهند که اینکه

در ضمن عمل هم همینطور مشاهده کرده ایم بخلاف عنوان

عرضحال اعسار این را همه کس میتوانند بدهد برای اینکه

هرکس میتواند در زمینه خود بگوید من معسر و آن

زندگی که عنوان عرضحال افلاس دارد عنوان عرضحال

اعسار در جامعه ندارد باین جهت ما در قانون سابق این

طور قرار دادیم آنوقت بنده عضو کسب پیون بودم يك دلیل

اینکه آمدیم اعسار و افلاس را از هم جدا کردیم همین

بود که محکوم علیه يك خورده نحاشی دارد نمی آید عرضحال

افلاس بدهد ولی عنوان عرضحال اعسار چون آن زندگی

را ندارد همه کس حاضر است هرکس در مرتبه خودی

بگوید من معسر و از این راه ممکن است که بیکه مقدار

دارد در صورتیکه دیونش در حدود دو هزار تومان است

سایر طلبکار های او هم اطلاع پیدا نمیکند برای اینکه

آن تشریفاتی که در قانون سابق بود که باید اعلان بکنند

و مدیر تصفیه تعیین بشود در اینجا نیست و با ترتیب

سابق سایر طلبکار ها هم ممکن بود اطلاع پیدا کنند ولی

در این قانون این موضوع نیست برای اینکه آن قانون را

نسخ کردیم و این پیش بینی هم نشده است باین جهت

من حیث الوجود که ان میکنم قانون سابق بهتر است و

بیشتر صیانت حقوق افراد را میکرد مگر اینکه حالا

ایشان يك توضیحاتی در این خصوص بدهند که بنده

مقتاعد شوم

**وزیر عدلیه -** شاید آقای نماینده محترم تمام قانون

را خوب مطالعه کرده باشند این قانون با قانون سابق

خیلی تفاوت ندارد در بعضی از مواد محتاج به اصلاحاتی

بود که روی عمل و تجربه ملاحظه کردیم که آن اصلاحات

را لازم دانست ولی بنده فکر کردم که اگر آن مواد را از

قبیل ماده اصلاحی و ماده مکرر کنیم اسباب تشویش

افغان بشود این است که بهتر این دانستم که مواد دست

- اسامی رأی دهندگان - آقایان: احتشامزاده - سلطانی - سید محمد تقی طباطبائی - دکتر سنگ - درانی - دکتر امیر اعلم اسکندی - نیک پور - دهستانی - مقدم - ناصری - دکتر شیخ - مستقیم سنگ - دکتر هراسی - ایزدی - کمالی - طهرانی - وهاب زاده لاریجانی - کفلی - روحی - طباطبائی دیا - حبیبی - میرزائی - هدایت - شریفی - برجانی - مسعودی خراسانی - قوسی - مرآت استندیاری لیاقانی - استندیاری - محسن آقا مهدوی - عراقی - فراگزارو - فروغی - طالش خان - بختیار - عطمی - شاهرودی - انبالی پناهی - حاج محمد رضا بهبهانی - دکتر طاهری - مؤید قوامی - تاج الاسلامی - تربیت - سید کاظم یزدی - رهبری - مسعود تاشی - پارسا مؤید احمدی - دبستانی - دادور - دکتر سیمی - حاج غلامحسین ملک - فرش - مهدق چپاشاهی - نواب یزدی - نازی - ساگیان کازرونیان - میرزا موسی خان مرآت - صفاری - بیات ماکو - دکتر قزل ایغ - مجد ضیائی - شیرازی - مخبر فرهمند - دبیر سهرابی - میرزا علی خان وکیلی - حمزه تاشی - ملک زاده آملی - مزدومی - مصنف - امیر ابراهیمی - دکتر ملکزاده - دکتر لنگان - خواجوی - بیات ناصر - کاشف - امیر تیمور - دکتر ضیاء - دکتر احتشام - میرزا بانس - دولتشاهی



خبر از دارائی او نداشته اند و تمام دارائیش را از بیت برده است و تمام کرده است قروض زیادی هم پیدا کرده يك عرض حال افلاس میدهد (و البته بنده نمیخواهم عرض کنم اکثر اخبار اقل ولی چند فرد هم که پیدا شد این کار را کرد قانون باید جاری آنرا بگیرد) و يك مدیر تصفیه هم تعیین میشود و هیچ کاری هم نمیشود اگر این شخص میخواست ترتیبی بدهد خودش اصلاح میکرد و فراری نمیکذاشت در اینصورت کسیکه خودش کارش را اصلاح نکند پول طلبکارش را ندهد مالش را بفروشد و ترتیبی برای بدهکارش ندهد چه توقع دارد که دیگری بیاید کار او را درست کند از وقتی که این قانون تصویب شده تا بحال در هیچ موردی نتیجه نداده است و اگر موردی انجام شده و اطلاع دارند ممکن است به بنده بفرمایند.

**رئیس - آذنی کاشف**

**کاشف - بنده يك مختصر عرضی در ماده ۳۳ در فصل چهارم که مقرر است تاجر عرض حال اعسار و افلاس نمیتواند بدهد و عرض حال توقف میدهد دارم البته این صحیح است الا اینکه مطابق قانون تجارت تاجر اعم است حتی به سبزی فروش و لبو فروش هم تاجر اطلاق میشود حتی به جمال هم تاجر اطلاق میشود البته در خارجه این اصل صحیح است برای اینکه متصدی حمل و نقل يك کپانی است و حتی بقالی هم بشکل کپانی و دارای تشکیلات و نظام و ترتیب خاصی است اما هنوز در مملکت ما اینطور نیست و جمال را از نقطه نظر عمل نمیشود تاجر گفت ولو اینکه در قانون آن را تاجر قلمداد کرده است با سبزی فروش یا اصناف جزه را این است که بنده خواستم در این موضوع يك اصل اتخاذ شود که عموماً بیت پیدا نکند و تاجر به تمام اشخاص که وارد در کسب هستند اطلاق نشود چون با قوانینی که در دست هست برای توقف و تصفیه اسباب اشکال میشود زیرا البته توقف و تصفیه هم میبرد روی اسناد و دفاتر و تصدیق میفرمایند که هیچکدام از اینها اسناد و دفاتر منظمی ندارند اگر جمالی وقتی معسر شد متوقف شد تصور میکنم رسیدگی**

ممکن است طرفین بنشینند در خارج بطور خصوصی قضایا را حل کنند ولی باید رویه مرفته نگاه کرد و دید که آیا این بطور جریان تا اندازه مفید بحال جامعه است یا نه این را باید در نظر گرفت و عقیده بنده این است که بطور جریان در این مورد مفید است زیرا گاهی ممکن است من بابت خودم قبانی بکنم باو هم يك سند یا صد تومان بدهم او هم برود در عدلیه و بر علیه من عارض شود و همان بابت خودم که تمام دارائی من است ببرد در حائیکه سایر طلبکارهای من هیچ اطلاع ندارند در صورتیکه مطابق قانون مدنی و قوانین و قواعد شرعی باید تمام دارائی مقلس بین طلبکارها بشود و هیچ امتیازی نشود ولی در اینجا ممکن است از روی قبانی بنده تمام دارائی خودم را که یا صد تومان است که آنرا هم قبانی کرده ام باو بدهم و سایر طلبکارها کلاه سرشان برود باین جهت بود که آن عنوان در قانون سابق شد که تفکیک کردیم بین عرض حال اعسار و افلاس. میفرمایند برای بطور جریان است و طرز تصفیه بطور جریان دارد بعقیده بنده باید آن قانون اصلاح شود نه اینکه اساساً این عنوان را ما از قانون برداریم

**وزیر عدلیه - بنده عرض بیشترش متوجه آقای جمشیدی است که توجه بفرمایند مسئله بطور جریان نیست مسئله این است که هیچ نتیجه گرفته نمیشود یعنی نتیجه اش این بوده که تمام طلبکارها سرشان بی کلاه میماند اگر يك قانونی هیچ نتیجه ندارد بهر این است که برداشته شود یعنی اسباب این شده است که این بواسطه این عرض حال افلاس کلاه سر اشخاص میبرد اعم از اینکه دارائی او واقعی به دپوتش باشد یا نباشد فرقی هم از این حیث نیست ممکن است واقعی هم باشد ولی معذک هیچ کاری نمیتواند بکنند برای اینکه التزام هم برای او نیست مجازاتی هم او را نمیتوان کرد هیچ کاری هم او نمیکند و مطابق آن ورقه عرض حال افلاس واعسار راسته راسته میگردد و طلبکارها هم سرشان بی کلاه میماند و مقصود از این قسمت این است که حقیقتاً نتیجه بدهد ملاحظه بفرمایند**

آنکسی که میرود عرضه اعسار میدهد باید برود و محسوس بشود از برای صد تومان یا پنجاه تومان ولی آن کسی که رفت عرض حال افلاس را داد راست راست برگردد و کسی تواند باو حرف بزند ؟ بنده تصور نمیکم هیچ منطقی باشد قانون برای این است که در آزمایش معایب و محاسن آن معلوم بشود شاید آن روزی که این قانون میگذشت این تصور میشد شاید این فلسفه که امروز حضرتعالی بیان میفرمایند صحیح بوده است و باذهان هم اینطور می آمده است یقیناً بنده هم اینطور می آمده لیکن امروز در ضمن عمل نتیجه طور دیگر معلوم شده است.

**رئیس - آقای افسر**  
**افسر - بنده موافقم بعد از يك مخالف**  
**جمشیدی - بنده يك توضیحی دارم.**  
**رئیس - آقای احتشام زاده**

**احتشام زاده - بنده در وقتی که این لایحه در کمیسیون عدلیه مطرح بود متوجه باین بودم که از بین بردن عرض حال افلاس يك ضرر هائی دارد ولی البته مقاومت نکردم با فکر خودم ولی بیانات نماینده محترم آقای جمشیدی بند را بیشتر وادار کرد که در این موضوع توضیحاتی عرض کنم بنظر بنده باید مراجع کرد به موجباتی که سابقاً مدنظر گرفته شد و روی موجبات جزویر قانون مزبور تنظیم و تصویب شد. تنها اشکالی که حضرت آقای وزیر محترم عدلیه فرمودند و مستندشان بود برای اینکه افلاس ضرورت ندارد و مورد ندارد این بود که میفرمایند کار می افتد بدست يك آدم غیر مسؤلی و ممکن است حقوق ذوالحقوق را تضییع کند بنده تصور میکنم بودن این عیب و نقص تنها کافی نیست بر اینکه یک موضوعی که منافع زیاد دارد از بین برود مسئله اشکال مدیر تصفیه يك امری نیست که تنها مربوط بافلاس باشد اگر این اشکال واقعاً موجود باشد در مورد تجاری که متوقف میشوند بیشتر موجود است (صحیح است) و اگر عیبی هست باید عیب را رفع کرد نه اینکه اساس قضیه را از بین برد ملاحظه بفرمایند یا وضعی که لایحه فعلی مراعات کرده است اگر بخواهم موضوع افلاس را از بین ببریم يك آدمی که ده هزار تومان بدهی دارد**



پده قر و هزار تومان از این مبلغ را دارد و یکقر از دین و طلبکاران میرود یا به ثبت اسناد یا بدیوکه مراجعه میکند و هزار تومان طلب خودش را وصول میکند و میرود یعنی آدمی که تمام دارائیش هزار تومان است در مقابل طلب یک طلبکار از بین میرود آنوقت نه طلبکار دیگر بر سرشان می کلاه می ماند ( صحیح است ) و حق شان از بین میرود در حالیکه در مورد یک چنین آدمی که هزار تومان دارائی دارد و در طلبکار حق این است که این پول غرماء بشود بین طلبکاران و اگر افلاس را از بین بریم نتیجه این میشود که حقوق زیادی از طلبکاران تضییع میشود - باز یک مورد دیگر که بنظر من خیلی اهمیت دارد این است که ما باید حتی الامکان سعی کنیم که از تکرار دعای و دعا که جاوگیری کنیم ، یک آدمی که هزار تومان دارد و در طلبکار یعنی ده هزار تومان دین دارد برای این که خودش را راحت کند از فشار طلبکار ناچار است ده تا عرض حال اعمار بدهد برای اینکه بگوید آه من معسر هستم و نمیتوانم دین خودم را بپردازم در صورتیکه بموجب قانون افلاس این آدم میتواند یک عرض حال بدهد و البته بیک وسایلی ( که مثل وضعیت فعلی باشد که یک مدیر تصفیه غیر مسئول بیاید و کار را بنهرونی بیندازد ) بیاند و تکلیف این آدمی که عرض حال افلاس را داده است معاموم کنند و آنچه که هست بذوی الحقوق برسانند بنابر این بنظر بنده چون تأمین حقوق اشخاصی که از یک آدمی که معسر و مفلس است طلبکارند خیلی اهمیت دارد و جاوگیری میکند از تکرار عرض حال های متعدد که خیل این دو موضوع اهمیت دارد و نمیشود تنها برای این دلیل که یک آدمی میخواهد مدیر تصفیه بشود و غیر مسئول است نمیشود از بین برود ( جشیدی - آرا اصلاح کنند ) - بلی آرا اصلاح میکنند و به عقیده بنده بایستی وزارت عدلیه فکر کنند ، مطالعه کنند و یک راه حلی را در نظر بگیرند که در مورد اشخاصی که عرض حال افلاس میدهند امورشان زودتر تصفیه بشود که هم تکلیف آنها معلوم بشود هم تکلیف طلبکاران و هم جاوگیری بشود

از تکرار دعای در عدلیه و به عقیده بنده مقتضی نیست موضوع افلاس را از بین ببرند و عقیده دارم که دعوی افلاس کماکان باقی باشد لیکن اگر مدیر تصفیه اش خوب کار نمیکند و مسئولیت ندارد ترتیب دیگری برای آن در نظر بگیرند و اگر اشکالاتی دارد آن اشکالات را رفع کنند خوشبختانه مطابق قانون سابق این اختیار در دست وزارت عدلیه است ( جشیدی - بلی بموجب نظامنامه ) بلی برای اینکه طرز تصفیه و اینها را قانون موکول کرده است به نظام نامه خوب ایشان ممکن است یک نظامنامه جامع دیگری بنویسند و بکس مجزائاتی یک سانس بدهند در کار بگذارند یا ممکن است اعضای علی البدلی تعیین کنند که آن اعضای علی البدلی تصدی امور مناسب بشوند و اشخاص غیر مسئول را تصدی نکنند به عقیده بنده این عیب آنها کافی نیست که از دوسه حسن دیگر مطالب صرف نظر کنیم ( صحیح است ) و به عقیده بنده لازم است موضوع افلاس را باقی بگذاریم .

رئیس - آقای آبر

السر - البته در مورد قوانین یعنی هر قانونی مثل قوانین آسمانی یک افراد ذرره پیدا میشود که ممکن است آنها را مورد بحث قرار داد و درش نظر کرد علی ای حال هر قانونی برای احتیاج گذاشته میشود اینکه آقای جشیدی و آقای احتشام زاده فرمودند در بعضی از موارد عمینطور است ولی به بینیم که مجموعاً کسانی که مثلاً در این چند سال اخیر معروفند و غالباً مردم سر و کار داشته اند با ایشان یکی هیئت تصفیه ارباب جشید که در وزارت خارجه بوده اند و ما می شنیدیم تومان هم حقوق می گرفته اند بجای هم نبود و مسئول حقوقی هم بودند ، یا آهائی که با شرکت عمومی کار داشتند به بینید چه جور کار میکردند ( صحیح است ) و چه طور تصفیه کردند با آهائی که با طومانیس کار داشتند مختلف بودند و مسئله طومانیس را باز چند روز پیش در روزنامه دیدم نوشته که هنوز هست و تا چند ماه دیگر ... ( اورنگ - هیئت تصفیه ارباب جشید هم هنوز هست ) بلی بفرمایش آقا هنوز هست ولی خودش مرحوم شد عرض کنم که بالاخره این جا که آقای وزیر

میرمایند باید به بینیم عملاً باشد یا نه ؟ اما از طرف دیگر باید فکر کنیم که هر چند سال ممکن است قانون عوض شود الان که ما در این جا هستیم به بینیم بیشتر معسر میشوند یا مفلس در ملکات ما اگر درست وقت کنیم مجموعاً معسر بیشتر است تا مفلس - آهائی را که از شان مردم طلب دارند اغلب شان معسر هستند محصول در دست شان هست و امی خرید اشخاصی در خراسان ما سراغ داشتیم که دویست هزار تومان سیصد هزار تومان زندگانی و اوضاع داشتند هزار تومان که سهل است برای واحد تومان معطل می ماندند ( صحیح است ) آنوقت فوراً می فرمایند این آدم یک عریضه افلاس بدهد و راه برود دیگر آقا حیثیت که برای شان نمی ماند اعتبار نمی ماند ملاحظه بفرمائید تاجر و رشکته غالباً در کار گیر میکنند و باشکال می افتند یعنی وقتی عریضه افلاس داد و یک اطاق با یک حجره داشت که سالی دویست هزار تومان در آن جا کار می کرده معامله می کرده حالا بزاز می هم نمی تواند بکند ، خرازی هم نمی تواند بکند وقتی که اینطور شد و باشکال افتاد دیگر یک شاهی بار پول نمیدهند و کسی باو اعتبار نمی کند بالاخره دماغش میوزد و بعد از مدتی در یک گوشه می افتد و با تریباکی میشود یا در خانه می افتد تا بمیرد ، همه دیده ایم دیگر ، بگذارید بکظوری باشد که صلاح در آن باشد معسر یک عنوانی است غیر مفلس ( صحیح است ) و درست هم هست ، می فرمایند که آدم بیشتر عریضه میدهد خوب تفصیلی ندارد این ، یک آدمی مدیون است و دارائی هم دارد ولی دسترسی ندارد فوراً طلبکار باو میگوید الان بده میگوید بنده الان ندارم ولی دارائی دارم صبر کن تا تهیه بشود محصول فروش برود بعد میرود یک عریضه میدهد دو عریضه میدهد چه اشکالی دارد این بهتر است تا اینکه آقا می فرماید برود و یک عریضه افلاس بدهد و در خانه اش بنشیند ، نمیشود آقا هرگز هیئت تصفیه دل سوز تر از خودش نیست راه کارش را بلد نیست ، نمیدانداز کجا و کیل معین کنند با

کی بسازد ، خود آدم دل سوز تر است ممکن است خودش را برود در خارج عمل را اصلاح کنند ( صحیح است ) می فرمایند که پولش را میدهد بیسر عمویش و بیانی می کند چرا این فکر را نمی کنید که خوب روزی که میخواهد ورشکند پول نقد دارد شب از آن پولهای بی صدا و اسکناس های که بقدر پول هم صدا ندارد میدهد بیسر عمویش ( اورنگ - با زیر پایش چال میکند ) اینها همه را در نظر بگیرد - نمیشود جاوگیری کرد حالا شما دو فردش را جاوگیری کردید ولی بعد ها زیاد میشود و نمیشود جاوگیری کرد ولی اگر یک قدری کار را محدود کردید بهتر و مناسب تر است امروزه اکثر مقروضین محترم معسر هستند اینها نمی توانند عرض حال افلاس بدهند ( صحیح است ) و دسترسی بیول شان بکامل ندارند مالک میخواهند بفروشند مشتری نیست جنس و محصول دارند مشتری نیست تمبخرند قرض هم میخواهند بکنند میگویند صدی ۲۴ صدی هجده است که محصول مالک هیچوقت بآن کفایت نمیکند ( صحیح است ) یک مراجعه باحوال امروزه مردم بفرمائید تصدیق میکنند که همینطور است ، هشت سال پیش آن قانون مقید بنظر میرسید شاید پنجسال دیگر هم محتاج شویم این قانون را عوض کنیم ولی ملاحظه بفرمائید این را حبس میکنند ، یک آدمی عرض حال افلاس میدهد میرود توی خانه اش می نشیند و میرود عقب کارش گردشش حالا میفرمائید بیایند حبسش میکنند خوب حبس که خیلی بدتر است و روبهرفته بنظر بنده امروز صلحت در این قانون است راست است بعضی افراد نادر هم هست بنده عرضی ندارم ولی در مقابل هم بعضی افراد نادر بر خلاف آنها بنده می توانم پیدا کنم .

رئیس - آقای جشیدی

جشیدی - فرمایشاتی که آقای احتشام زاده فرمودند کامل بود و عریاض بنده هم تقریباً همین ها بود ولی این نکته را باز مجدداً عرض میکنم که اگر مقررات جزائی راجع بدعوی افلاس ناقص است آرا اصلاح کنید ، البته



وقتی قوانین را مابطور کلی نگاه کنیم هم دارای منفعت است هم دارای ضرر هیچ قانونی نیست که بلك ضرری وار بلك نفعی با در نظر از افراد جامعه نرساند و اصل آن قانون لازم نیست ولی باید این دو را در کفله نرازو بگذاریم به بیینیم کدام بلك از آنها ارزشش بیشتر است آنها را قبول کنیم و آن قانونی که هیچ ضرر نداشته باشد نیست بنده عرض کردم این دو قانون را در کفله نرازو بگذاریم و بیینیم و به بیینیم که کدامش انفع است و ضررش را هم تا قدری که میتواند اصلاح بفرمایند این بود عرایض بنده.

**رئیس** - آقابانی که با ورود در شور مواد این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند ( اکثر قیام کردند ) تصویب شد ماده اول قرائت میشود :

ماده اول - هر کسی است که بواسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی بمال خود قادر بتأدیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد.

**رئیس** - ماده دوم

فصل اول

اعمال در مورد مخارج محاکمه  
ماده ۲ - همین که اعسار کسی ثابت شد از نتایج ذیل استفاده خواهد کرد.

۱ - معافیت هوقتی از تأدیه تمام یا قسمتی از مخارج محاکمه در مورد دعوائی که برای معافیت از مخارج آن ادعای اعسار شده.

۲ - حق داشتن وکیل مجاني مطابق ماده ۱۸ این قانون  
۳ - معافیت از دادن تأمیناتی که باید اتباع خارجه بدهند در صورتیکه مدعی از اتباع خارجه باشد.

تیسره - در رسیدگی بدعوی اعسار مدعی هوقتی از کلبه مخارج محاکمه مربوط بدعوی اعسار معاف خواهد بود  
**رئیس** - ماده سوم :

ماده ۳ - معافیت از مخارج محاکمه باید برای هر دعوائی علیحده تحصیل شود ولی هر سر میتواند در تمام مراحل مربوط بهمیان دعوی از حکم اعسار استفاده کند

با طرف داشته باشند و در بعضی مواقع هم باز دهود بلك شرایط دیگری دارند ولی در این جا ظاهراً از موافقتی است که اگر شهود حقیقه قریبت نسبی یا سببی نداشته باشند نمی توانند بنهینند و مطلع نمی شوند از اعسار کسی و غیر از اقربای خودنی اشخاص بیگانه مطلع نمی شوند یعنی آن شرطی که در تحقیقات عملی است آن شرط در این شهود نیست چنانکه در انحصار وراثت هم همینطور است در عمل هم همینطور است در انحصار وراثت اگر کسی تقاضای شهود میکند لابد اقربای نسبی یا سببی او اطلاع دارند از جریان امر این است که محاکم هم در عمل از این قبیل شهود تحقیق می کنند و دیگر نمی پرسند که قریبت دارند یا ندارند این است که خواستیم آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که شهودی که در این جا ذکر می شود آن شرایط تحقیقات محلی را ندارند.

**وزیر عدلیه** - این را بنده در کمیسیون هم جواب به آقای دیبا عرض کردم بلك قانونی بطور کلی نداریم که شهادت اقرباء در هر مورد مسموع نباشد بلکه در بعضی از مواقع در اصول محاکمات داریم مثلاً در رد قاضی یا در اشخاص خیره یا در تحقیقات محلی آنها در مورد خاص قید شده و قید در مورد خاص سزایت به وارد عامه نمیکند مگر اینکه اصل کلی باشد و منطوق در نظر محکمه است که اگر شهادت اقربا اطمینان کرد که قبول میکند و صحت اظهارات آنان را قبول میکند اگر اطمینان ندارد باز تعقیب می کنند.

**رئیس** - ماده هشتم :

ماده ۸ - هوبت شهود را باید نظمی و با ترتیب الحکومه محل یا که خدا تصدیق نماید مگر اینکه شهود در نزد محکمه معروف باشند.

**رئیس** - ماده نهم :

ماده ۹ - محاکمه اعسار اختصاری است.

**رئیس** - ماده دهم :

ماده ۱۰ - مدیر دفتر مکلف است در ظرف دوروز از تاریخ وصول عرضحال اعسار دوسیه را بنظر حاکم محکمه

برسانند تا چنانچه حاکم حضور شهود را در جلسه محاکمه لازم بداند مدعی اعسار اخطار شود که در روز مقرر شهود خود را حاضر نماید مدیر دفتر بلك نسخه از عرضحال اعسار و مدارك اعسار و شماره آرا برای مدعی العهوم و نسخه دیگر را برای طرف دعوی اصلی ارسال و ضمناً روز جلسه محاکمه را تعیین و ابلاغ مینماید بطرف دعوی اصلی میتواند در موقع رسیدگی بدعوی اعسار حاضر شده و اگر دلایلی بر رد اعسار دارد بیان کند ولی عدم حضور او مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود.

**رئیس** - آقای دیبا

**طباطبائی دیبا** - بلك اصلاحی در کمیسیون عدلیه بنا به پیشنهاد آقای احتشام زاده در این ماده شد ولی بنده حالا که مطالبه کردم دیدم آن اصلاح چندین صحیح نبود است بلکه ممکن است در بعضی اوقات اصلاً بخلاف واقع ذوی الحقوق حقتشان تضییع شود مثلاً مدعی العهوم بلك عقیده پیدا کند و آن این بود که در لایحه دولت این مسئله اینطور نوشته شده بود مدیر دفتر بلك نسخه از عرضحال اعسار و مدارك آرا برای مدعی العهوم میفرستد بعد آقای احتشام زاده پیشنهاد فرمودند چونکه مدعی العهوم مداخله اش فقط در جنبه اعسار است و در دعوائی اصلی مداخله ندارد این است که تمام دوسیه را یعنی تمام دعوائی اصلی و مدارك اصلی را در دعوی اعسار مدیر دفتر بفرستد پیش مدعی العهوم این فایده ندارد پیشنهادی فرمودند در کمیسیون تصویب هم شد که مدارك اعسار را بفرستند ولی بنده عقیده ام این است که مدارك اصلی دعوی هم در بعضی موارد ممکن است مورد احتیاج باشد و خوب است آرا هم بفرستند نزد مدعی العهوم تا مدارك اصلی دعوی را هم ببیند و شاید از آن استنباط کند که این شخص متنوع باشد از اعسار یا غیر اعسار و اولاً فقط مدارك اعسار را بفرستند کافی نیست اعسار مداركی لازم ندارد مدارك این شخص فقط چهار نفر شاهد است و چیزی نیست ولی ممکن است بلك اسناد و دلائل و مداركی در اصل دعوی باشد که مدعی العهوم نسبت به اعسار او سوابق بیشتری پیدا کند این است که



بنده منقذم در سیه را اگر لازم دیدند و لو در دعوی اصلی باشد نزد مدعی العموم بفرستند تا کمالاً دقت و رسیدگی شود  
 مخبر که پیشون عدلیه (آقای مؤید احمدی) - عرض کنم که فلسفه دخالت مدعی العموم در این قضیه چیست؟ زبندی برخلاف اصل آمده است و مدعی اعسار شده است که من همسر - هم برای چه؟ برای اینکه خرج محاکمه را ندهد آن بیعتی که عجائلاً بحث میکنیم این است که از خرج محاکمه و پول مهر و اینها معاف باشد و ندهد چون این منتهی است که بدولت برسد و چون او میخواهد ندهد از این نقطه نظر این را گفته اند برای مدعی العموم بفرستند و او نمایند دولت است که باید به بیعت این آدم واقفاً همسر است یا نیست و عرض حالتش غلط است و دارائی دارد که قبول بکند یا نکند عرض حال او را لیکن مدارک اصل دعوی را برای چه پیش مدعی العموم بفرستند؟ فلسفه ندارد از اینجهت فرار شد که فقط ادله اعسار پیش مدعی العموم فرستاده شود ما پیش دیگر زائد است (صحیح است)

رئیس - ماده پانزدهم فراتر میشود:

ماده ۱۱ - هرگاه در جلسه رسیدگی یکی از طرفین دعوی اصلی تقاضای رسیدگی نماید و طرف دیگر غالب باشد محکمه بر حسب تقاضای مزبور بدعوی اعسار رسیدگی خواهد نمود و در صورتی هم که رسیدگی بدعوی از ارباب خارج شد با محاکمه توفیق شده باشد تقاضای یکی از اشخاص مذکور برای اعقیب در رسیدگی کافی است.

رئیس - ماده دوازدهم:

ماده ۱۲ - محکمه در روز جلسه به اسناد و شهادت مشهود و امارات مستنده هر يك از طرفین دعوی رسیدگی خواهد کرد و هرگاه محکمه نسبت به بیعتی که از مدعی به عرض حال اعسار دعوی را ثابت و نسبت بقسمتی غیر ثابت دانست حکم به معافیت مدعی نسبت به همان قسمت که ثابت شده خواهد داد.

محکمه میتواند بدعوی العموم و طرف دعوی اصلی در

صورتیکه دعوای بررد اعسار داشته باشند اخطار کند که شهود خود را برای تحقیقات در محکمه حاضر نمایند.

رئیس - ماده سیزدهم:

ماده ۱۳ - حکم قبول اعسار قابل استیناف و تمیز نیست و از حکم رد اعسار فقط میتوان استیناف داد.

رئیس - ماده چهاردهم:

ماده ۱۴ - هرگاه حکم بررد اعسار صادر شد بطریق ذیل رفتار میشود:

اگر حکم بدایه صادر و در ظرف مدت قانونی استیناف داده نشده باشد مدعی اعسار مکلف است تا ده روز پس از انقضاء مدت استیناف و اگر حکم استینافاً صادر شده باشد تا ده روز پس از ابلاغ آن مخارج عرض حال دعوی اصلی را نادیده نماید والا قرار رد عرض حال دعوی اصلی صادر خواهد شد.

رئیس - ماده پانزدهم:

ماده ۱۵ - در صورتیکه دعوی اعسار برای معافیت از مخارج استینافی یا تمیزی باشد مدعی اعسار باید تصدیقی از دفتر محکمه که به اعسار رسیدگی میکند حاکی از تقدیم عرض حال اعسار گرفته در ظرف مدت قانونی به عرض حال استینافی یا تمیزی ضمیمه نماید ولی بجز این اقدام عرض حال استینافی یا تمیزی موقوف به تعیین نتیجه عرض حال اعسار است.

رئیس - ماده شانزدهم:

ماده ۱۶ - در مورد ماده قبل هرگاه مدعی اعسار عرض حال خود را تا يك ماه تعقیب نکرد و یا در ظرف مدت يك ماه بلا تعقیب گذاشت عرض حال مزبور بتقاضای طرف دعوی اصلی رد و مطابق ماده ۱۴ رفتار میشود.

رئیس - ماده هفدهم:

ماده ۱۷ - اگر همسرفوت نماید وراثت او حق نخواهند داشت از حکم دایر با اعسار مورث خود استفاده کنند.

رئیس - ماده هیجدهم:

ماده ۱۸ - وکلای رسمی عدلیه مکلفند وکالت اشخاص همسر را صرفاً بطور مجانی قبول کنند تعیین وکیل مجانی در

این موارد مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد  
 رئیس - ماده نوزدهم:

ماده ۱۹ - اگر تازه سال از تاریخ قبول اعسار همسر متمکن نگرددید دیگر مخارجی که از پرداخت آن موقوفه معاف بوده است از او مطالبه نخواهد شد.

رئیس - ماده بیستم:

فصل دوم

اعسار در مورد محکوم به

ماده ۲۰ - مرجع رسیدگی بدعوی اعسار در مورد محکوم به محکمه ایست که بدایه بدعوی اصلی رسیدگی کرده است دعوی اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد در محکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد.

رئیس - ماده بیست و یکم:

ماده ۲۱ - دعوی اعسار در مورد محکوم به طرفین محکوم به دعوی اصلی و در مورد ورقه لازم الاجرای ثبت اسناد بطرفین معمهله اقامه خواهد شد.

رئیس - ماده بیست و دوم:

ماده ۲۲ - در رسیدگی بدعوی اعسار در مورد محکوم به هرگاه محکوم علیه برای معافیت موقتی از پرداخت مخارج عدلیه نیز ادعای اعسار کند موقتاً و بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه بدعوی اعسار معاف است.

رئیس - ماده بیست و سوم:

ماده ۲۳ - مدعی اعسار باید شهادت کتبی لافل ۴ نفر از اشخصیکه از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند به عرض حال خود ضمیمه نماید - در شهادت نامه مذکور باید اسم و شغل و وسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت محکوم به یا دین با تعیین مبلغ آن تصریح شود.

رئیس - ماده بیست و چهارم:

ماده ۲۴ - مقررات مواد ۸ و ۹ و قسمت اول ماده ۱۰ و ماده ۱۱ و ماده ۱۲ (جز اخطار بدعوی العموم) در مورد اعسار نسبت به محکوم به یا دین نیز رعایت خواهد شد.

رئیس - ماده بیست و پنجم:

ماده ۲۵ - در صورت غیبت مدعی اعسار در جلسه محاکمه با عدم تعقیب او تقاضای مدعی علیه برای رسیدگی بدعوی مزبور کافی است.

رئیس - ماده بیست و ششم:

ماده ۲۶ - حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم به قابل استیناف و تمیز است.

رئیس - ماده بیست و هفتم:

فصل سوم

مقررات جزائی

ماده ۲۷ - در مورد رد عرض حال اعسار بطریق ذیل رفتار میشود:

الف - در صورتیکه ادعای اعسار برای معافیت از مخارج عدلیه باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را بپرداخت وجوه ذیل محکوم خواهد کرد:

الف - دو برابر مخارج دعوی اصلی در مرحله که برای معافیت از مخارج آن عرض حال اعسار داده شده در صورت تعقیب دعوی اصلی و در غیر این صورت معادل آن مخارج

ب - حق الوکاله وکیل از بابت محاکمه اعسار در صورتیکه وکیل مطابق ماده ۱۸ برای او تعیین شده باشد و بشرط تقاضای وکیل

۲ - در صورتیکه ادعای اعسار در مورد محکوم به باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را بپرداخت وجوه ذیل محکوم مینماید

الف - مخارج محاکمه اعسار معادل دو برابر مخارج معمولی.

ب - حق الوکاله وکیل از بابت محاکمه اعسار بشرح مذکور در قسمت (ب) تقرراً اول همین ماده

رئیس - ماده بیست و هشتم:

ماده ۲۸ - مفاد قسمت ۲ از ماده ۲۷ در مورد رد اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد نیز لازم الرعایه است.



رئیس ماده بیست و نهم

ماده ۲۹ - هرگاه معلوم شود پس از صدور حکم اعمار از معسر رفع عبرت شده و مهذا از حکم اعمار استفاده کرده است بقضای محکومله با متعهدله جزائاً تعقیب و بحسب تادیبی اقدام خواهد شد  
رئیس - ماده سی ام :

ماده ۳۰ - اگر پس از قبول اعمار ثابت شود که شهرد عامداً شهادت دروغ کتبی یا شفاهی داده بمجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۸ مجازات عمومی محکوم خواهند شد.

رئیس - ماده سی و یکم

ماده ۳۱ - اگر پس از صدور حکم اعمار معلوم شود که مدعی اعمار برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده بحسب تادیبی از یکماه تا ششماه محکوم خواهد شد  
رئیس - ماده سی و دوم

ماده ۳۲ - هرکس که پنحوی از انحاء برای معسر قلمداد کردن کسی که معسر نیست یا او تباخی کرده و یا برخلاف حقیقت خود را طلبکار معسر قلمداد و در این موضوع یا معسر تباخی کند شریک جرم مذکور در ماده فوق محسوب خواهد شد.  
رئیس - ماده سی و سوم :

فصل چهارم

مقررات مختلفه

ماده ۳۳ - از تاجر عرضحال اعمار پذیرفته نمیشود - تاجری که مدعی اعمار باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرضحال توقف دهد.  
رئیس - ماده سی و چهارم :

ماده ۳۴ - در هر موقع که معسر بتادیب تمام یا قسمتی از بدهی خود متکثر گردد ملزم بتادیب آن است نسبت بمرتبه اجرائیه که بر عاقله معسر صادر شده مرور زمان از تاریخ تکلیف جاری میشود و مدت آن ده سال است.  
رئیس - ماده سی و پنجم :

ماده ۳۵ - اگر کسی که معافیت از مخارج محاکمه

بر طبق نظامنامه مخصوصی که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود اقدام میشود و در صورتیکه چیزی بفروش رسیده یا وجهی وصول شده باشد عرضحال افلاس کان لم یکن و مدعی موافق این قانون میتواند به طرفیت محکومله یا صاحب ورقه لازم الاجراء اداره ثبت اسناد بعنوان اعمار اقامه دعوی نماید.

رئیس - ماده چهارم

ماده ۴ - قانون اعمار و افلاس مصوب ۲۵ آبانماه ۱۳۱۰ نسخ مواد ۲۲۴ و ۲۲۵ - ۲۲۶ - و ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ قانون اصول محاکماتیکه بموجب قانون مزبور نسخ شده بحال منسوخ باقی میماند.

رئیس - آقای جمشیدی .

جمشیدی - این عبارت بنظر بنده زائد است قانون اعمار و افلاس مصوب ۲۵ آبانماه ۱۳۱۰ نسخ این صحیح است ولی جمله ( مواد ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ ) قانون اصول محاکماتی که بموجب قانون مزبور نسخ شده

بحال منسوخ باقی میماند ) زائد است برای اینکه آن قانون نسخ شده درباره که عود نمی کند بنابراین این عبارت بنظر بنده زائد است .

ولیر عدلیه - چون در آن قانون سابق پاره از مواد قانون اصول محاکمات نسخ شده بود و حالاً که بموجب این ماده قانون مصوب ۲۵ آبان نسخ میشود ممکن است اینطور تصور شود که مواد منسوخ بقوت اولیه خود بر خواهند گشت از این نظر اینجا تصریح شده است که آن مواد منسوخ هم بحال نسخ خودشان باقی هستند .

رئیس - آقایانیکه برود در شور دوم موافقت دارند قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد .

[ ۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - اگر اجازه می فرمائید جلسه را ختم کنیم ( صحیح است ) جلسه آینده یکشنبه یازدهم آذر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه اوقاف ( مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد )  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر



# قانون

## اجازه استخدام دکتر هاز و دکتر ادواردبلا و اصلاح حقوق دکتر هائری اشترنک

### ماده واحده

الف - وزارت معارف و اوقاف مجاز است آقای دکتر هاز تیمه دولت آلمان را از تاریخ ورود بطهران بدت سه سال برای تدریس علوم تربیتی و لدی الانتشاء اشتغال با امور قلمی و اداری در دانش سرای عالی و دانشکده ادبیات و آقای دکتر ادواردبلا تیمه ممالک متحده امریکای شمالی مقیم طهران را از تاریخ دهم آبان ۱۳۱۳ بدت دو سال و ده ماه برای تدریس تشریح علمی استخدام نماید

ب - حقوق سالیانه آقای دکتر هاز تا پنجاه و چهار هزار ریال بلاوه باشد و چهل بهای و حقوق سالیانه آقای دکتر ادواردبلا سی هزار ریال خواهد بود که باقسط ماهیانه بهشتارالیهما تأدی خواهد گردید.

ج - برای مسافرت آقای دکتر هاز از پاریس بطهران مبلغ شصت بهای خرج سفر داده میشود و در موقع انتشاء این قرارداد در صورت عدم تجدید آن معدل مبلغ مذکور برای سرایت ایشان پاریس داده خواهد شد.

د - وزارت معارف و آقای دکتر هاز و آقای دکتر ادواردبلا در آخر هر سال تحصیلی با اعصار قبلی سه ماه میتوانند کتبات را لنو نمایند و در صورتیکه وزارت معارف این عمل را بنماید نسبت با آقای دکتر هاز خرج معاودت مندرج در فقره ج پرداخت خواهد شد.

ه - آقای دکتر هاز و آقای دکتر ادواردبلا مالی بکاه در موقع تعطیل تابستان حق مرخصی یا استفاده از حقوق خواهند داشت لیکن ترتیب اعطای آن با وزارت معارف بوده و می توانند پس از چند سال بکرتبه از جمع مرخصیهای قانونی خود فقط در موقع تعطیل تابستان استفاده نمایند.

و - وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام آقای دکتر هاز و آقای دکتر ادواردبلا را بر طبق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۴ عرق ۱۳۰۱ تبیین و قرارداد را امضاء نماید.

ز - حقوق سالیانه آقای دکتر هائری اشترنک بابت مدیری و هنرآموزی هنرستان دولتی و هشت ساعت تدریس دروس شیمی دانشکده طب و دوا سازی سالیانه مبلغ سی هزار ریال بلاوه چهارصد بهای خواهد بود که باقسط ماهیانه از اول فروردین ۱۳۱۳ بهشتاراله پرداخت میشود.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هشتم آذرماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید رئیس مجلس شورای ملی - دادگر